

اتفاقی نیست که پرده نخست فیلمی که قرار است به دخالت نظامی امریکا در افغانستان اشاره کند، با حادثه ۱۱ سپتامبر آغاز می‌شود. فیلم با این آغاز، القاعده و طالبان را به عنوان خطری جدی برای مردم امریکا و مردم سایر جهان معرفی می‌کند (در همین آغاز تصویری از پوتین نمایش داده می‌شود که در حال ابراز نگرانی از خطر تروریسم القاعده است که هدف آن بیان این نکته است که القاعده و طالبان، خطری جدی برای همه دنیا هستند که باید قهرمانانی امریکایی به مصاد با آن‌ها بروند!) در یکی از سکانس‌های ابتدایی، فرمانده میچ نیلسون برای توجیه نیاز حضورش در منطقه عملیاتی به همسرش می‌گوید که هفته پیش خود او (همسرش) سوار هواپیمایی شده بود که می‌توانست سرنوشتی مثل همین هواپیماهای ربوده شده داشته باشد. در نتیجه باید برای نجات او (خانواده) خطر کند و به جنگ با القاعده و طالبان در افغانستان برود. در نتیجه ما به عنوان مخاطب در حالی که با سربازان امریکایی همذات‌پنداری می‌کنیم، می‌پذیریم که آن‌ها به منظور دفاع از جان خانواده و هم‌میهنان‌شان باید داوطلبانه و صرفاً به دلیل انجام وظیفه (درحالی که می‌دانیم عموماً نیروهای امریکایی به دلیل انجام وظیفه به جنگ نمی‌روند، آن‌ها از طبقات فرودست جامعه هستند و به دلیل درآمد خوب ارتش به جنگ می‌روند) به جنگ با طالبان و القاعده بروند. (یکی از فرماندهان نظامی امریکایی درحالی که تکه‌ای از برج‌های دوقلورا به میچ می‌دهد، به او می‌گوید این همراهت باشد تا انگیزه‌ای باشد برای مقابله با آن‌ها). این ماجرا را حال ضرب در همان اسطوره خشن طالبان کنید. در یکی از سکانس‌ها سربازان امریکایی فیلمی از طالبان را می‌بینند که یک زن حامله را سنگسار می‌کند. در نتیجه برای مخاطب پودر شدن نیروهای طالبان توسط بمب‌های سربازان قهرمان و شجاع امریکایی نه عملی جنایتکارانه، بلکه عملی قهرمانانه تلقی می‌شود. از بعد حضور نیروهای امریکایی در جبهه نیروهای ائتلاف ضد طالبان، عنصر دیگری به منظور توجیه دخالت نظامی امریکا وارد درونمایه فیلم می‌شود: افغان‌ها خود تمایل دارند که قهرمان‌های امریکایی نجات‌شان دهند.

به این منظور ما بارها و در سکانس‌های مختلف از زبان دوستم می‌شنویم که تأکید می‌کند با رفتن سربازان امریکایی، آن‌ها امید و نجاتی ندارند و آن‌ها باید فرشته نجات ملت افغانستان باشند، افغانستانی که در گذشته و قبل حمله طالبان آزاد بوده و دختران می‌توانستند در آن سواد بیاموزند و به سینما بروند، اما حالا هم سواد تعطیل شده و از طرفی دیگر خانم‌ها باید نقاب (حجاب) داشته باشند. در نتیجه فرمانده میچ از سر دلسوزی می‌پذیرد که آن‌ها را یاری کند. در واقع تصویری و ایماژی که بر ساخت می‌شود، واجد این معنا است که اسلام عنصری بیرون از فرهنگ افغان‌ها است که توسط طالبان تحمیل شده و از طرف دیگر دخالت نظامی امریکا با خواست خود افغان‌ها و از سر دلسوزی و انسانیت نیروهای امریکایی است.

به طور خلاصه می‌توان برد و مضمون اصلی مورد تأکید در این فیلم اشاره کرد؛ اول ساخت ایماژ بسیار مثبت از سربازان ایالت متحده امریکا که با بر ساخت ایماژ منفی از نیروی‌های طالبان و القاعده و مردم افغانستان تکمیل می‌شود.

دوم توجیه دخالت نظامی امریکا در افغانستان و این توجیه با تأکید بر مفهوم امنیت ملی و تأکید بر نیاز به نجات و یاری‌رسانی به ملت افغان که خود خواهان حضور نیروی‌های نظامی امریکایی هستند، اتفاق می‌افتد.

پس نوشت:

1-12 Strong

ششمین سالیان

۷۱ شماره چهارم • تیرمرداد ۱۴۰۲